

مفهوم‌شناسی لهو، لعب و لغو و مصادیقی از آنها

منصوره باقری پور^{۱*}، سیدعلی پورمنوچهری^۲، نصرت‌الله صابری^۳

۱- دکترای تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳- استادیار مدعو گروه حقوق، واحد ساوه و واحد الکترونیکی، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه و تهران، ایران

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۲/۱۷ - تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۴/۹)

چکیده

از نظر قرآن، زندگی دنیا برای انسان یک فرصت بسیار استثنایی است که نباید آن را به بیهودگی تباه ساخت و زیان‌کار شد. کسی که در دنیا به اعمال لهو و لغو مشغول شود و دنیا را به عنوان ابزاری برای رشد و کمال نبیند، زندگی خویش را به هدر داده است. در قرآن کریم سه واژه لهو، لعب و لغو به کار رفته و هر یک دارای بار معنایی و مفهومی ویژه است. به نظر می‌رسد هر سه، معنایی نزدیک به هم دارند. از این رو، یک حکم تحریمی برای آنها وضع شده است؛ گرچه همه کارهای لغو و باطل مطرح در دنیا، لغو و باطل‌های نسبی است. اهل ایمان تلاش می‌کنند تا از فرصت حضور در دنیا، بیشترین و بهترین بهره را ببرند و مقرب درگاه الهی شوند. بدیهی است انسان‌ها باید در زندگی دنیا تعقل کنند و هشیار باشند، که اگر فقط همت خویش را دنیا قرار دهند، در حقیقت در پی بیهودگی و لهوی رفته‌اند که هیچ ثمره و توشه‌ای برای آخرت ایشان ندارد. یکی از مصادیق لهو در دنیای کنونی، استفاده نامعقول از فضای مجازی است که با سرعتی غیرمشابه با گسترش دیگر رسانه‌ها گسترده شده و امروزه تأثیر آن بر بخش‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و علم و فناوری مشهود است. درک منطق این فضا به منظور بهره‌مندی از آن در جوامع کنونی عصر حاضر، نخستین گام برای ایجاد تعامل مثبت و استفاده حداکثری از قابلیت‌های محتوایی و آسیب‌پذیری حداقل از تهدیدهای بالقوه آن است

واژگان کلیدی: قرآن، لهو، لغو، لعب، فضای مجازی، زمان و مکان

طرح مسئله

مجموعه آموزه‌های و حیانی قرآن چنان است که انسان در زندگی کوتاه خود بتواند به همه مراتب انسانی دست یابد و با سیر تعالی به چنان جایگاهی دست یابد که شایستگی صفت خاص خلیفه الهی شدن را بیابد، زیرا مقصد والای آفرینش انسان، خلافت الهی او از طریق عبودیت خداوند باری تعالی است. از آن جایی که اسلام برای زندگی بشر در دنیا برنامه دارد به تمام جزئیات زندگی او توجه داشته و سبکی خاص از زندگی را ارائه کرده است که می‌بایست بر پایه و اساس آن رفتار کند. از این رو، انسان ضروری است به اموری که بازدارنده و مانع حرکت وی به سوی خدای شدن و خلافت‌یابی باشد توجه داشته و از عمل به آن پرهیز کند. بنابراین، هر گاه چیزی انسان را چنان سرگرم کند که از کارهای مهم‌تر و مفیدتر بازدارد و چنان دلبستگی به دنیا پیدا کند که آخرت را از یاد ببرد در این حالت، این گونه اعمال دنیوی هم نوعی لهو خواهد بود. حکم تحریم پاره‌ای از افعال، به ویژه "حرمت لهو" و مفاهیم همگون با آن، مانند "لغو" و "لعب" از مسلمات فقهی است، لکن مفهوم "لهو" و مرز موارد مجاز و غیرمجاز آن به روشنی بیان نشده است و آیات و روایات مربوط نیز به گونه‌ای جامع به تحلیل و بررسی پرداخته‌اند، به ویژه آن که در پاره‌ای از متون فقهی، حرمت لهو به مصادیقی همچون برخی مسابقات ورزشی نیز تسری داده شده است که در صورت اثبات این تعمیم، مباح بودن بسیاری از فعالیت‌های ورزشی و تفریحی و همچنین تماشای سریال‌ها و نمایشنامه‌ها و تفریحات رایج در عصر حاضر هم زیر سؤال خواهد رفت؛ البته کنترل و در معرض لغو قرار نگرفتن چنین فعالیت‌هایی بسیار مهم است. همه کارهای لغو و باطل مطرح در دنیا، لغو و باطل‌های نسبی است، و این یک حقیقت می‌باشد. بعضی عادت دارند با تسبیح بازی کنند. اگر از خود آنها پرسید منطق شما، که یک فرد صاحب عقل و منطقی هستید، برای این کار چیست؟ آیا اثری بر این کار فرض می‌کنید؟ می‌گویند نه. پس این کار بیهوده است، اما این کار را که عقل و منطق آنها نمی‌کند، یک عادت در دستشان هست و آسایش آنها به این است که این کار را بکنند. از نظر آن قوه-ای که آسایشش در این کار تأمین می‌شود، این کار لغو نیست. یکی از اموری که اگر به درستی کنترل نشود انسان را در معرض انجام امور لغو قرار می‌دهد وابستگی به شبکه‌های اجتماعی است. فعالیت چشمگیر این شبکه‌ها در فضای مجازی است، که تقریباً از نیم قرن پیش شکل گرفته و با سرعتی غیرمشابه با گسترش دیگر رسانه‌ها، تغییرات فناورانه و محتوایی گسترده‌ای را موجب شده و امروزه تأثیر آن بر بخش‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و علم و فناوری مشهود است. درک منطق این فضا، نخستین گام برای ایجاد تعامل

مثبت و استفاده حداکثری از قابلیت‌های محتوایی آن است.

معنای واژگان

لهو: «لَهَا يَلْهُو لَهْوًا (به)» (حیدری، ۶۹۰). "لهو" مشغول شدن توأم با غفلت را گویند (نک: قرشی، ۲۱۱/۶؛ فراهیدی، ۸۷/۴). "لهو" آن است که انسان را از کارهای مفید و مهم باز دارد (نک: راغب اصفهانی، ذیل واژه لهی). آنچه آدمی را مشغول کند (نک: ابن فارس، ۲۱۳/۵). گاه حتی "لهو" به هرگونه سرگرمی اطلاق می‌شود که انسان را از کارهای مهم باز دارد، حتی اگر آن کار از جهتی مفید باشد، زیرا سرگرم شدن به کاری که شخص را از هدف اصلی باز می‌دارد، امری لهوی و غیرمفید است. این که به ابزارهای طربانگیز، آلات لهوی گفته می‌شود به همین دلیل است (نک: شعرانی، ۳۶۲/۲). "لهو" سرگرمی و خوشگذرانی است. چیزی لذت‌آور برای انسان، که او را سرگرم و به خود مشغول کند (نک: بستانی، ۷۶۳).

لغو: لَغَا يَلْغُو لَغْوًا (فراهیدی، ۴۴۹/۴). "لغو" کلام بی‌فایده را گویند (نک: قرشی، ۱۹۶/۶). راغب اصفهانی "لغو" را سخن و کلام خبری می‌داند که قابل توجه نیست و از روی دقت و اندیشه گفته نشود (نک: ذیل واژه لغی). سخنی که در آن فایده و نفعی نباشد (نک: ابن منظور، ۲۵۰/۱۵) گفتار و کلام باطل را گویند (نک: جوهری، ۲۴۸۳/۶؛ فراهیدی، ۴۴۹/۴).

لعب: لَعِبَ يَلْعَبُ لَعِبًا و لَعِبًا (فراهیدی، ۱۴۸/۲). "لعب" را به انجام کاری به قصد لذت یا تفریح یا انجام دادن کاری بیهوده معنا کرده‌اند (نک: بستانی، ۷۵۶). "لعب" مشغول شدن توأم با غفلت است (قرشی، ۲۱۱/۶). انجام کاری بدون قصد نتیجه صحیح از آن نیز گفته شده است (نک: راغب اصفهانی، ذیل واژه لعب).

فضای مجازی: "فضا" را میدان، عرصه و مکان وسیع معنا کرده‌اند (دهخدا، ۱۷۱۷۱؛ مهنا، ۳۲۳/۲؛ بستانی، ۶۶۶؛ ابن منظور، ۱۵۷/۱۵). "مجاز" (جوز) به راه و روش، لفظی که در معنای دیگری باشد معنا شده است (بستانی، ۷۸۲). مجاز را در معنای راه گذر و راه طریق، راهی که در آن از طرفی به طرف دیگر عبور کنند نیز گفته‌اند (نک: دهخدا، ۲۰۲۸۱). همچنین در معنای مقابل حقیقت و خلاف آن به کار رفته است (نک: تهانوی، ۱۴۵۶/۲).

¹ Figurative expression (انگلیسی), Sens figure, metaphore (فرانسه) (تهانوی، ۱۴۵۶/۲)

بررسی لهو، لغو و لعب

به منظور استنتاج نظرات مختلف درخصوص لهو، لغو و لعب، بررسی آیات کریمه قرآن و منقولات روایی ضروری به نظر می‌رسد.

قرآن

از نظر قرآن، زندگی دنیا برای انسان یک فرصت بسیار استثنایی است که نباید آن را به بیهودگی تباه سازد. «إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ إِن تُوْمِنُوا وَ تَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ وَ لَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ»^۱ (محمد/۳۶). از این رو، اهل ایمان و تقوا هرگز به دنیا به عنوان یک هدف غایی نمی‌نگرند بلکه می‌کوشند تا از این فرصت، بیشترین و بهترین بهره را ببرند و خدایی شوند «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ لَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَ فَلَاتَعْقِلُونَ»^۲ (انعام/۳۲). بنابراین، عمل به فرمان‌های الهی به معنای فعلیت بخشیدن به سرشت پاک به ودیعه گذاشته شده ربوبی در انسان است و هرگونه رفتار و کرداری که وی را از حوزه مسئولیت خود خارج کند امری لغو و بیهوده است. بدیهی است انجام کار لغو و بیهوده در فرصت کوتاه حضور در دنیا، به معنای خسران و زیان بزرگ از سرمایه وجودی وی می‌باشد. این آفریده الهی جز با انجام اوامر و ترک نواهی و اجتناب از منکرات به جایگاه خلیفه‌اللهی دست نخواهد یافت. کلمه "لهو" در چند جای قرآن کریم آمده است. از جمله: «وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَ تَرَكُوا كَمَا قَامُوا...» (جمعه/۱۱). روش گروهی از مسلمان‌های سست ایمان این بود که در هنگام نماز جمعه و موقعی که پیغمبر (ص) مشغول خطبه بودند، اگر صدای ساز و نوا در بیرون از مسجد بلند می‌شد یا صدای طبل کاروان تجارتي که از بیرون مکه رسیده بود، به گوششان می‌رسید برای تماشای بساط طربی که آنجا بود یا برای این که فرصت معامله با کاروان از دستشان نرود، قبل از رسیدن قافله و کاروان تجاری، با ترک محل نماز به استقبال آن می‌رفتند. این آیه با انتقاد از این افراد، در ادامه می‌فرماید: «قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَ مِنَ التِّجَارَةِ وَ اللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ». شما نباید به عنوان تجارت و کارهای تجاری یا به عنوان تفریح و سرگرمی از پای خطبه پیغمبر (ص) در نماز جمعه بلند شوید و بروید، زیرا سودی که خدا در سنت‌های خود برای مردم با

^۱ یعنی: زندگی این دنیا لهو و لعبی بیش نیست و اگر ایمان بیاورید و پروا بدارید [خدا] پاداش شما را می‌دهد و اموالتان را [در عوض] نمی‌خواهد.

^۲ یعنی: و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست و قطعاً سرای بازپسین برای کسانی که پرهیزگاری می‌کنند بهتر است. آیا نمی‌اندیشید؟

ایمان و درستکار مقدر فرموده، به مراتب از سودی که شما از حضور در مراسم شادی و طرب یا لهو و سرگرمی یا پیشدستی در تجارت یا کاروان تازه رسیده نصیبتان می‌شود، بیشتر است. غالباً این طور گفته‌اند که منظور از "لهو" در اینجا همان صدای شپیور و نقاره و طبل و این جور چیزهایی بوده که کاروان‌های تجارته معمولاً وقتی از بیرون وارد شهر می‌شدند، می‌زدند تا مردم خبر بشوند که این کاروان تجاری وارد شهر شده و برای معامله با تاجران بیایند. عده‌ای از مردم برای تماشا و سرگرمی می‌رفتند و خود این سر و صداها و علاوه بر این، اصلاً دیدن و تماشای قافله یک سرگرمی بود. یک عده هم برای تجارت و معامله می‌رفتند.

در چند آیه دیگر از قرآن کلمه "اللَّغْوُ" آمده و بعضی از فقها "لغو" را هم همان "لهو" معنی کرده اند و در آن آیات هم، از لغو نکوهش شده اما باز در حرام بودن لهو استفاده نمی‌شود.

– در آیه ۷۲ از سوره فرقان در صفات بندگان پاک سخن به میان آمده است: «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا»^۱.

– در آیه ۵۵ از سوره قصص می‌فرماید: «وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ»^۲.

– در آیات دیگر نیز می‌فرماید: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ»^۳ (انعام/۳۲)؛ «لَاتُلْهِكُمْ أَمْوَالَكُمُ وَلَا أَوْلَادَكُمُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ»^۴ (منافقون/۹)؛ «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ...»^۵ (نور/۳۷) و «وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى. وَ هُوَ يَخْشَى. فَانْتَ عَنَّهُ تَلْهَى»^۶ (عبس/۸-۱۰). تلْهَى مشغول شدن و غفلت ورزیدن است (نک: قرشی، ۲۱۱/۶).

– همچنین قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ» (عنکبوت/۶۴)؛ «وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَ لَهْوًا» (انعام، ۷۰)؛ «وَقَالَ أَوْ أَمِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَ هُمْ يَلْعَبُونَ» (اعراف/۹۸)؛ «قَالُوا أَوْ جِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ» (انبیاء/۵۵)؛ «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا لِالْعِبِينَ» (دخان/۳۸).

^۱ یعنی: آنها کسانی هستند که شهادت به باطل نمی‌دهند (و در مجالس باطل شرکت نمی‌کنند) و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند بزرگوارانه از آن می‌گذرند.

^۲ یعنی: وقتی که لغو به گوش آنها می‌خورد اعراض می‌کنند و روی می‌گردانند.

^۳ یعنی: نیست زندگی دنیا مگر بازی و مشغول کننده.

^۴ یعنی: اموال و اولادتان شما را از یاد خدا مشغول و غافل نکند.

^۵ یعنی: تجارت و فروختن آنها را از یاد خدا مشغول و غافل نمی‌کند.

^۶ یعنی: و آن کس که شتابان پیش تو آمد. در حالی که از خدا می‌ترسید. تو از او به دیگران می‌پردازی.

- شماری از آیات قرآن، مورد استشهاد امامان (ع) و فقیهان قرار گرفته است، مانند: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ»^۱ (لقمان، ۶). در تفسیر علی بن ابراهیم، لهو الحدیث، به غنا و نوشیدن شراب و کارهای بیهوده تفسیر شده است (نک: علامه مجلسی، ۲۴۱/۷۶). گروهی از فقیهان، این آیه را ضمن شواهد و دلیل‌های حرام بودن لهو، یاد کرده‌اند (نک: مکارم شیرازی، انوارالفقاهه، ۴۳۴/۱)؛

«لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهْوًا لَأَتَّخِذْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ»^۲ (انبیاء/۱۷). به این آیه شریفه، ضمن روایت عبدالاعلی استشهاد شده (نک: شیخ حر عاملی، ۲۲۸/۱۲) و شیخ انصاری آن را از دلیل‌های حرام بودن لهو قرار داده است (نک: ۵۴/۱)؛ در صفات مؤمنان گفته می‌شود: «وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ»^۳ (مؤمنون/۳)، که مؤمنان از لغو پرهیز می‌کنند. در تفسیر علی بن ابراهیم "لغو" به غنا و کارهای لهو تفسیر شده است (نک: علامه مجلسی، ۲۴۰/۷۶). این آیات، بر حرام بودن "لهو" گواه آورده شده‌اند؛ حال، خواه دلالت اینها بر حرام بودن لهو پذیرفته یا رد شود، خواه آیات تنها همین شمار باشند یا آیه‌های درخور استناد دیگر هم باشد، یک نکته روشن است که در قرآن نامی از ابزار لهو به میان نیامده است. از این روی، اگر استفاده حرام بودن ابزار لهو هم از آنها بشود، بی‌شک ابزاری حرام خواهند بود که در راستای لهو قرار گیرند، چه در روزگار ائمه (ع) وجود داشته یا پس از آن دوران، وجود یافته باشند و ابزاری که بهره‌برداری لهوی از آنها نشود، حرام نخواهند بود. این، می‌تواند گواهی باشد بر این که نام‌های یاد شده در احادیث، ویژگی ندارند. آنچه مسلم است بیهوده‌گرایی و فرصت‌سوزی، که نتیجه فعالیت بی‌ثمر و از بین رفتن فرصت طلایی زندگی است و عامل جلوگیری از ارتباط با خدا می‌شود "لغو" و "لهو" نامیده شده و مورد نهی قرار گرفته است.

روایات

روایات مربوط به لهو و موضوعات مرتبط به چند دسته تقسیم می‌شود:

- دسته اول: روایات تفسیری که ذیل برخی آیات مانند «و الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» (مؤمنون/۳) به شرح: «عن الغناء و الملاهی» (قمی، ۸۸/۲)؛ «و اذا سمعوا اللغو اعرضوا عنه»

^۱ یعنی: و برخی از مردم کسانی‌اند که سخن بیهوده را خریدارند تا [مردم را] بی‌هیچ دانشی از راه خدا گمراه کنند و [راه خدا] را به ریشخند گیرند برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود.

^۲ یعنی: اگر می‌خواستیم بازبچه‌ای بگیریم قطعاً آن را از پیش خود اختیار می‌کردیم.

^۳ یعنی: آنها کسانی هستند که از لغو یعنی از لهو اعراض می‌کنند. «لغو یعنی بیهوده و لهو یعنی سرگرمی. مؤمنان کسانی هستند که از بیهوده روی می‌گردانند.

(قصص/۶۷) به شرح: «اللغو الكذب و اللهو الغناء» (علامه مجلسی، ۲۴۰/۷۶) و «و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضل عن سبيل الله» (لقمان/۶) به شرح: «الغناء و شرب الخمر و جميع الملاهي» (علامه مجلسی، ۲۴۱/۷۶) وجود دارد.

درخصوص مفهوم این روایات، که از لحاظ سند مرسل هستند و ضعیف^۱، نکاتی مدنظر است، از جمله:

- لهو گاه مصادیقی برای لغو، یعنی هرگونه کار بی‌فایده، به شمار رفته و پرهیز از لغو در وصف مؤمنان، از کمال و بزرگی شخصیت آنها حکایت دارد و این نمی‌تواند دلیل حرمت باشد؛

- برخی روایات به مصادیقی اشاره دارند که خود حرام هستند مانند دروغ و شرب خمر. در ششمین آیه سوره لقمان، که جمیع ملاهی، به عنوان صدق لهو الحدیث آمده، به تصریح خود آیه به مواردی مربوط است که گمراهی از راه خدا را موجب شود.

۲. دسته دوم: روایاتی که بیشتر صبغه اخلاقی دارند و انسان خردمند را از کارهای بیهوده دور می‌کنند، مانند «امام علی (ع): و کل کلام لیس فیه ذکر فهو لغو» (شیخ صدوق، ۴۰۵/۴).

۳. دسته سوم: روایاتی که به مصادیق لهو حرام اشاره دارند؛ البته غالب آنها، ابزار و وسایل موسیقی را مورد نکوهش قرار داده‌اند، مانند «فی مناهی النبی (ص): نهی عن اللعب بالنرد و ... و الکوبه و العرطبه و هی الطنبور و العود» (صدوق، ۳/۴) و «عن علی (ع): کل ما الهی عن ذکر الله فهو من المیسر» (حر عاملی، ۳۱۵/۱۷).

این گونه روایات بر آن دسته از وسایل، به عنوان مصادیق "لهو" که صرفاً در مجالس عیش و نوش در بین اهل فسق و فجور مورد استناد قرار می‌گرفته و لهو به معنای واقعی (یعنی اشتغال به اموری که آدمی را از اهداف و وظایف بازدارد) صدق می‌کند. از این روی، فقیهان مثلاً طبل لهو را ممنوع و طبل جنگ را مباح دانسته‌اند (نک: حلی، ۴۵۹/۲). در کتاب‌های فقهی و حدیثی، رسم است که بحث "لهو" با عنوان "آلات لهو" مطرح شود (نک: حر عاملی، ۲۳۲/۱۲). واضح است که بحث درخصوص به کار بردن، شنیدن، استفاده از ابزار لهو در غیر لهو، بهره‌گیری از ابزار ناشناخته و مهیا نشده برای لهو و ... محقق را به تبیین حکم شرعی ابزار لهو می‌رساند. محقق اردبیلی داد و ستد با چیزی که تنها بهره حرام می‌توان از آن برد را حرام دانسته است، مانند بازی‌های حرام، قمار و ...، چه قصد بهره حرام داشته باشد، چه نداشته باشد. مگر این که امکان بهره‌بری حلال از آن باشد که در این صورت، معامله آن روا است، بلکه اگر این بهره‌بری روشن باشد، مطلقاً جایز خواهد بود؛ البته این

^۱ سند این روایات در منابع یاد شده، به صورت مرسل گزارش شده و ضعیف هستند.

فرض، دور می‌نماید. بنابراین، کسب، ساخت و نگهداری آنها حرام و شکستن این گونه ابزار را واجب است^۱ (نک: ۴۱/۸). امام خمینی خرید و فروش ابزار حرام، که تنها در راه حرام استفاده می‌شود مانند ابزار لهو، چون نی، ساز، دهل و وسایل قمار را حرام دانسته (نک: تحریرالوسیله، ۴۵۵/۱)^۲ و در جایی دیگر نیز بیان داشته‌اند اگر پاره‌ای از ابزار سود حلال داشته باشد، در قسم دیگر جای می‌گیرد؛ همان گونه که ظرف‌های طلا و نقره چنین هستند، زیرا نگهداری آنها حرام نیست (نک: مکاسب محرمة، ۱۱۵/۱)^۳. برخی نیز ساختن ابزار لهو را حتی اگر برای لهو هم ساخته نشده باشد حرام دانسته‌اند، زیرا بیشتر برای کار حرام استفاده می‌شود (نک: حسینی عاملی ۱۵/۴ و ۳۲).^۴

۴. دسته چهارم: روایاتی که لهو را باطل دانسته‌اند، مانند «کل لهو المؤمن من الباطل ما خلا ثلاثه: المسابقة والملاعبه الرجل اهله و...» (شیخ انصاری، ۴۵/۲). شیخ انصاری در مکاسب فرموده است: از ظاهر امر چنین برمی‌آید که حرام بودن بازی با ابزار لهو، به سبب لهو بودن آن است، نه ویژگی ابزار و وسیله. در روایت سماعه، امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که آدم از دنیا رخت کشید، شیطان و قایبل شادمانی کردند و در زمین گرد آمدند و ابزار لهو و لعب را وسیله سرزنش آدم و شادی خویش قرار دادند. از این روی، هر آنچه از این قسم در زمین باشد، که مردم با آن لذت می‌برند، چنین خواهند بود. این حدیث اشاره دارد به این که معیار و غرض، غفلت و خوش‌گذرانی است.^۵ از سوی دیگر، بنا به نظر ایشان قدر متیقن از ابزار لهو، که استفاده از آن حرام است، ابزاری است که از جنس مزار و طبل و ابزار غنا باشد (نک: ۱۱۷/۱-۱۱۸). همچنین می‌فرماید: «... هر صدایی که به ملاحظه کیفیت موجود در آن لهو محسوب شده و از الحان اهل فسوق و معاصی شمرده شود حرام است؛ اگرچه

^۱ «و معلوم تحریم التکسب بما هو المقصود منه حرام وهو اللعب المحرم و القمار والعبادة مع القصد ذلك في البيع وكذا مطلقاً الا ان يكون بحيث يمكن الانتفاع بها في غير ذلك المقصود فيجوز بيعه حينئذ ويمكن مطلقاً ايضاً اذا كان ذلك المقصود واضحاً ولاشك في بعد هذا الفرض فيحرم مطلقاً كعمله بل حفظه ايضاً على الظاهر ولهذا وجب كسرها».

^۲ «يحرم بيع كل ما كان آله للحرام بحيث كانت منفعة المقصودة منحصر فيه مثل آلات اللهو كالعبدان والمزامير والبربط ونحوها و آلات القمار».

^۳ «نعم، لو كان لبعض الآلات منفعة محلله تنسلک فی القسم الآتی كما ان اواني الذهب والفضة كذلك لعدم حرمة اقتنائها».

^۴ «اذا عرفت هذا صح لنا ان ندعی ان المدار فی عدم جواز البيع على تحریم المنافع الغالبه المقصوده كما سمعته عن فخرالاسلام والمقداد وابن زهره وغيرهم» (۱۵) «يحرم فعلها (آلات اللهو) وان كان لغير اللهو لانه يقتصد به الحرام غالباً» (۳۲).

^۵ «يؤيده حرمة اللعب بالآلات اللهو الظاهر انه من حيث اللهو، لامن حيث خصوص الآلة ففي رواية سماعه: قال ابو عبد الله (ع)، لما مات آدم، شمت به ابليس وقاييل فاجتمعوا في الارض فجعل ابليس وقاييل المعازف والملاهي شماتة بآدم فكلموا كان في الارض من هذا الضرب الذي يتلذذ به الناس فانما هو من ذلك فان فيه اشارة الى ان المناط هو مطلق التلهي والتلذذ» (۵۴/۱).

فرض کنیم به آن غنا نگویند و آنچه لهُو به حساب نیاید حرام نیست؛ اگرچه غنا بر آن صادق باشد»^۱ (ذهنی تهرانی، ۶۴۴/۲). این عبارات، چندان سازگاری با هم ندارند.

به نظر می‌رسد مفاد آیات مارالذکر و نیز بری دانستن پیامبر (ص) از تجویز غناء، دلیلی بر حرمت آن نمی‌تواند باشد، چرا که بسیاری از مکروهات، که به خداوند نسبت داده نمی‌شود و رسول خدا (ص) نیز مروج آن نیستند، برای توده مردم حرام نمی‌باشد (نک: امام خمینی، مکاسب محرمة، ۲۴۲/۱). همچنین ذکر این نکته ضروری است که غنای مورد بحث، یکی از مصادیق لهُو است نه مطلق لهُو. بنابراین، دلیل اخص از مدعا است. نتیجه این که هر لهُو باطلی ممنوع و حرام می‌باشد.

۵. دسته پنجم: روایاتی است که لهُو را گناه کبیره می‌داند، مانند «و الکبائر محرمة و هی الملاهیة الّتی تصد عن ذکر الله عزوجل مکروهه کالغناء و ضرب الاوتار ...» (حر عاملی، ۲۶۲/۱۱) این روایات به دلیل ضعف سندی (نک: موسوی خویی، ۴۲۱/۱) هیچ دلالتی بر حرمت مطلق لهُو نمی‌توانند داشته باشند. بنابراین، گرچه روایات ظاهر در حرمت لهُو، به گفته برخی فقیهان (نک: شیخ انصاری، ۴۶/۲) بسیارند ولی با تحلیل‌های مصداقیابی، قاعده کلی حرمت مطلق لهُو را ثابت نمی‌کنند. حال اگر در زمان و مکانی دیگر، چنین سود و بهره‌ای تحقق یافت، دیگر فتوا به حرام بودن، معنی ندارد. همانند این در باب حرام بودن خرید و فروش خون و سرگین حیوان حرام گوشت دیده می‌شود، اما امروزه به دلیل استفاده‌های عقلایی از خون و سرگین، کمتر فقیهی است که خرید و فروش آن را حرام بدانند.

اجماع

برخی از فقیهان برای اثبات حرمت لهُو به اجماع تمسک کرده‌اند (نک: شیخ انصاری، ۴۱/۲-۴۲)، لکن این استناد به دلیل‌های ذیل مخدوش است:

۱. با فرض ثبوت اجماع، اجماع مدرکی است و به تصریح فقیهان، آیات و روایاتی است که در مذمت لهُو و لعب وارد شده است (نک: حلی، ۵۸۱/۲) و اجماع مدرکی هم حجت نیست^۲ (نک: فضلی، ۲۲۰)؛

^۱ «... فکل صوت یكون لهوا بکیفیة، و معدودا من ألعان أهل الفسوق و المعاصی فهو حرام و ان فرض أنه لیس» (شیخ انصاری، ۲۹۶/۱)

^۲ اجماع مدرکی حجیتی ندارد، زیرا حجیت اجماع به دلیل آن است که از قول معصوم (ع) کشف می‌کند و از آن جا که مستند اجماع مدرکی (دلیل لفظی یا غیرلفظی) معلوم و در دسترس فقیه است، می‌تواند به آن مراجعه کند تا اگر آن دلیل نزد وی معتبر باشد، طبق آن فتوا دهد و گرنه آن را رد کند.

۲. حرمت مطلق لهو در بین فقیهان مخالفانی دارد (نک: موسوی خویی، ۳۸۱/۱)؛
۳. به فرض تحقق آن، چه معنایی از لهو مدنظر بوده است؟ مطلق سرگرمی یا لهوی که مقدمه حرام باشد؟
- از آنچه بیان شد چنین برمی آید که مصادیق خاص، همچون غنا مدنظر بوده است.

عقل

"لهو" آن است که آدمی را از یاد خدا غافل کند. در مورد "غفلت از یاد خدا" باید گفت که آدم با ایمان، هر وقت با گناهی و لغزشی روبه‌رو می‌شود، خودبخود به یاد خدا می‌افتد. این که چون این کار حرام است و خدا گفته "نکن"، پس "نکنم". این حالت برای یک انسان با ایمان در برخورد با گناه دست می‌دهد که یکی از ضامن‌های مؤثر در حفظ پاکی و فضیلت در مردم است.

از مهمترین ارزش‌های ایمان این است که ایمان، پلیس باطن است. وقتی انسان تک و تنها هم نشسته و با گناهی روبه‌رو می‌شود، ایمان درونی و وجدان الهی بر او نهیب می‌زند که خدا ناظر اعمال توست "نکن". این نوع توجه به خدا از مهمترین ارزش‌های تربیت‌های دینی است (نک: بهشتی، سایت راسخون). در مورد دنیایی که در قرآن به سرگرمی و بازیچه توصیف شده است می‌توان گفت: لهوی که ترک واجبات خداوند یا فعل حرام را باعث شود حرام و اگر ترک مستحبات را موجب شود مکروه خواهد بود و اگر دارای فوائد عقلایی باشد لهو نیست. تفریح سالم نیز یک عمل عقلایی برای شادابی روح و جسم است.

شبکه اجتماعی

شبکه اجتماعی^۱ در علوم اجتماعی به بررسی روابط بین انسان‌ها، گروه‌های انسانی و سازمان‌ها می‌پردازد. مبحث شبکه اجتماعی و شبکه اجتماعی مجازی بسیار نزدیک، ولی متفاوت هستند و در حیطه جامعه‌شناسی، فناوری اطلاعات و بسیاری از علوم قابل بحث می‌باشند. شبکه اجتماعی مجازی مثل هر شبکه اجتماعی از اجتماع و روابط انسان‌ها در اجتماع تشکیل شده است. تعداد روابط در یک شبکه یا اندازه شبکه در تعریف آن مهم نیست، ولی می‌تواند نوع آن را تغییر دهد. واقعیت این است که شبکه اجتماعی از ابتدای بشریت وجود داشته ولی نوع

^۱ Social Network

مجازی آن که در ابتدای قرن ۲۱ نمایان شده، نمونه‌ای است که با ظهور اینترنت^۱، اصطلاح معروف دهکده جهانی را ترجمه کرده است. انتشار سریع و آزادانه اخبار و اطلاعات، افزایش قدرت تحلیل و تقویت روحیه انتقادی؛ امکان عبور از مرزهای جغرافیایی و آشنایی با افراد، جوامع و فرهنگ‌های مختلف؛ شکل‌گیری و تقویت خرد جمعی؛ امکان بیان ایده‌ها به صورت آزادانه و آشنایی با ایده‌ها، افکار و سلیقه‌های دیگران؛ کارکرد تبلیغی و محتوایی؛ ارتباط مجازی مستمر با دوستان و آشنایان؛ تبلیغ و توسعه ارزش‌های انسانی و اخلاقی در عرصه جهانی؛ یک‌پارچه‌سازی بسیاری از امکانات اینترنتی؛ توسعه مشارکت‌های مفید اجتماعی؛ افزایش سرعت در فرایند آموزش و ایجاد ارتباط شبانه‌روزی بین استاد و شاگرد و افزایش اعتماد، صمیمیت و صداقت در فضای سایبر از ثمرات مفید اینترنت است. به همین منظور، یعنی با هدف بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌ها و صیانت از آسیب‌های فضای مجازی، در ۱۷ اسفند ۱۳۹۰ طی حکمی توسط مقام معظم رهبری دستور تشکیل شورای عالی فضای مجازی صادر شد. ایشان در این حکم فرمودند: «... گسترش فزاینده فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، به ویژه شبکه جهانی اینترنت و آثار چشمگیر آن در ابعاد زندگی فردی و اجتماعی، و لزوم سرمایه‌گذاری وسیع و هدفمند در جهت بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌های ناشی از آن به منظور پیشرفت همه‌جانبه کشور و ارائه خدمات گسترده و مفید به اقشار گوناگون مردم و همچنین ضرورت برنامه‌ریزی و هماهنگی مستمر به منظور صیانت از آسیب‌های ناشی از آن اقتضا می‌کند که نقطه کانونی متمرکزی برای سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در فضای مجازی کشور به وجود آید. به این مناسبت، شورای عالی فضای مجازی کشور با اختیارات کافی به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل می‌گردد و لازم است به کلیه مصوبات آن ترتیب آثار قانونی داده شود...» (نک: ویکی پدیا، بحث "مرکز ملی فضای مجازی").

شبکه اجتماعی مجازی

شبکه اجتماعی مجازی زنجیره‌ای از ارتباطات شبکه اجتماعی یا حضور غیرفیزیکی افراد در یک محل مجازی است. در شبکه اجتماعی مجازی ارتباط افراد و سازمان‌ها یا گروه‌ها، رو در رو و بدون واسطه نیست، بلکه به ابزاری به نام

^۱ ارائه تعریفی از اینترنت، به دلیل کارکردهای پیچیده آن، دشوار است. در یک تعریف بسیار کلی می‌توان اینترنت را بسان مخزنی از اطلاعات خوب و بد، زشت و زیبا، اخلاقی و غیراخلاقی دانست.

اینترنت بستگی دارد. این روزها وقتی صحبت از شبکه اجتماعی در اینترنت می‌شود منظور صحبت از نوع مجازی و غیر قابل لمس شبکه‌ای از ارتباطات انسانی است. شبکه‌های اجتماعی انواعی مختلف دارند که به عنوان پرکاربردترین آنها می‌توان فیس بوک^۱، توئیتر^۲، مای اسپیس^۳، لینکدین^۴، تانگو^۵، وایبر^۶، واتساپ^۷ و تلگرام^۸ را نام برد. انگیزه‌های ورود به شبکه‌های اجتماعی می‌توانند متفاوت باشند، از جمله: حضور جوانان به عنوان هم‌نوایی با هم‌سالان؛ تداوم دوستی‌های فعلی و احیای دوستی‌های قدیمی؛ فرصتی برای بیشتر بودن با فضای واقعی؛ امکان زنده شدن ارتباطات قدیمی در عین دوری مکان؛ تجربه دوستیابی به سبک متفاوت با معیارهای فضای واقعی؛ تسریع و تعمیق ارتباط بی‌بدیل؛ حس تعلق به گروه و احساس رضایت. فضای مجازی در کنار فواید، مزایای متعدد و فرصت‌های مناسب، تهدیدها و آسیب‌های فراوانی نیز دارد. از جمله می‌توان به آسیب‌های فردی، فرهنگی، دینی، اجتماعی، خانوادگی، امنیتی و آسیب‌های علمی و فکری و حتی اعتیاد به فضای مجازی اشاره کرد. اعتیاد به اینترنت در یک برداشت کلی، به استفاده مستمر از اینترنت اطلاق می‌شود و امکان دارد دامنه نتایج آن به کم‌خوابی، به خطر افتادن موقعیت شغلی و دگرگونی در روابط خانوادگی و اجتماعی منجر شود (نک: اخوان بهبهانی، سایت ویستا). این اعتیاد به سیستم ایمنی بدن آنها آسیب می‌زند و برای ابتلا به بیماری‌ها آماده‌تر می‌شوند. مسأله دیگر این است که اعتیاد به استفاده از فضای مجازی، مانند بسیاری از انواع دیگر اعتیاد، قابل اندازه‌گیری نیست. برای مثال در یک فرد معتاد به مصرف نوشیدنی‌های الکلی، میزان مصرف الکل روزانه قابل سنجش است اما مشخص کردن میزان دقیق استفاده از کامپیوتر، فضای مجازی، تلویزیون و . . . و همچنین تمیز دادن ساعات مفید و کاری و ساعات غیرمفید آن اصلاً امری ساده نیست (نک: کانن، سایت انترپولوژی).

¹ Facebook

² Twitter

³ My Space

⁴ LinkedIn

⁵ Viber

⁵ Whatsapp

⁵ Tango

⁶ Viber

⁷ Whatsapp

⁸ Telegram

نظر علمای عصر حاضر در خصوص اینترنت

در خصوص حکم شرعی استفاده از اینترنت گفته‌اند: «با توجه به این که اینترنت قابل استفاده صحیح و ناصحیح است و مطالب خوب و بد دارد از ابزار مشترک محسوب می‌شود و چنانچه از آن استفاده‌ای مشروع کنند اشکالی ندارد و خرید و فروش ابزار آن جایز است» (مکارم شیرازی، سایت شفاف). ایشان در مورد اعطای مجوز برای "خدمات اینترنت پر سرعت همراه و کلیه خدمات نسل سوم و بالاتر ارتباطات همراه" قبل از تحقق شرایط قانونی و الزامات ایمن و سالم‌سازی آن اعلام کرده‌اند: با توجه به مفاسد متعدد ذکر شده، از جمله دسترسی جوانان و حتی نوجوانان به مطالب، فیلم‌ها، عکس‌های آلوده و فیلم‌هایی که ضدیت با اخلاق و عقاید اسلامی دارد و عدم به کارگیری مجوزهای قانونی برای این کار، مخالفت با قوانین جمهوری اسلامی و فراهم نشدن امکان حل مشکلات توسط شبکه ملی اطلاعات، خدمات اینترنت پر سرعت همراه و کلیه خدمات نسل سوم و بالاتر کاری بر خلاف شرع و بر خلاف موازین اخلاقی و انسانی است و مسئولین نباید تنها به درآمدهای مادی این برنامه بیندیشند و نباید آن را نوعی روشنفکری دینی و آزادی علمی تصور کنند، بلکه لازم است ضمن هماهنگی با شورای عالی فضای مجازی و پس از رعایت اموری که جلوی جنبه‌های منفی این کار را می‌گیرد اقدام کنند و مسئولین قضایی نیز نباید در این امر حیاتی بی‌تفاوت باشند (نک: سایت ایسنا) عالمی دیگر با اشاره به رسالت حقیقی فضای مجازی تصریح کرده است: چیزی که امروز به عنوان فضای مجازی معروف شده، در اصل حقیقت است چرا که مجاز را می‌شود کنار زد اما حقیقت را نمی‌توان. بنابراین، فضای مجازی در اصل خودش حقیقت است. برای انتقال این فضای حقیقتی به جامعه، برخورداری از زیرساخت‌ها و امکانات ارتباطی لازم است. ایشان در توسعه پهنای باند اظهار داشته است که به دلیل نیاز به انتقال بیشتر پیام در این فضا، باید سرعت آن افزوده شود، حقیقت‌های عالم و سخنان انبیا و همچنین سخن بزرگان حوزه‌ها و دانشگاه‌های کشور در این فضای حقیقت منتشر شود و مردم بشنوند، چرا که خدا ما را با ظرف خالی عقل خلق نکرده است. وی با بیان این که طبق آموزه‌های اسلام نباید راه کسی بسته شود، بلکه باید با تلاش، فضا را در اختیار گرفت و به اصطلاح، فقط در فضای مجازی آسیب ندیدن هنر نیست، بلکه باید با حفظ خود، معارف مورد نظر نشر داده شود (نک: جوادی آملی، سایت مشرق نیوز). در نظری نیز فضای مجازی از امتحانات دوره آخرالزمان، زمینه‌ای جدید برای سنجش قدرت روحی انسان و بستری تازه برای تکالیف انسانی و دینی، و همچنین فرصتی برای ارزیابی میزان درک خود از حقایق ناب دینی و انتقال بخشی از درک خود به دیگران دانسته شده، و این که انسان بفهمد چقدر عاشق دین خدا و اولیای خدا

است یا چقدر خودخواه و بی‌خیال خدمت به دین. معلوم است این فضا، هم خطراتی جدید را برای آدمی به دنبال دارد و هم امکاناتی جدید را برای رشد فردی و اجتماعی در اختیار وی قرار می‌دهد، که باید ضمن صیانت و محافظت از آنچه می‌خواهند از او بگیرند، از فرصت‌های این فضا استفاده کنند. با نگاهی به فرصت‌های فضای مجازی، چنین به نظر می‌رسد که چقدر جای این فناوری برای افزایش هدایت بشر و نجات انسان‌ها خالی بود، و... شاید این فرصت‌ها یکی از زمینه‌های پدید آمدن مقدمات ظهور باشد. در مواجهه با تهدیدهای فضای مجازی دو اقدام اساسی "رعایت تقوا، تا آلودگی‌های این فضا نَفَس را نگیرد، چون یکی از خصوصیات این فضا گسترش هرزگی است" و "کنترل نظم و زمان‌بندی استفاده از این ابزار و حضور در فضای مجازی" لازم دانسته شده است. امکان دسترسی راحت به اطلاعات، پردازش و انتخاب دقیق نیازمندی‌ها، انتقال سریع و فراگیر آگاهی‌ها و فواید فراوان دیگر در فضای مجازی، وظایف مؤمنان را در زمینه دعوت به حق و ترویج حق‌پرستی بسیار زیاده‌تر کرده است. در این میان، تأمین نشدن زیرساخت‌ها و به سرانجام نرسیدن شبکه ملی فضای مجازی در حد یک فاجعه تأسف‌آور است و باید به حال و فرجام جامعه‌ای که برای ایجاد زیرساخت‌های مناسب و امن در فضای مجازی تلاش و اقدام فوری نمی‌کند گریست (نک: پناهیان، سایت بیان معنوی).

نتیجه

باری تعالی با آفرینش در نهایت زیبای جهان هستی، فرصتی بسیار استثنایی برای بشریت در زندگی دنیایی فراهم آورد که نباید آن را با بطلت و بیهودگی تباه سازد. انسان باید دنیا را جایگاهی برای رشد و کمال خویش ببیند و از فرصت حضور در دنیا به تقرب الهی دست یابد. با بهره‌مندی شایسته و استفاده معقول از تمامی امکانات موجود در دنیای کنونی، خود را به علو مقام برساند و این مطلوب حاصل نخواهد شد مگر با دوری از بیهوده‌گذرانی عمر خویش، که یک موهبت الهی است. اگر آدمی بدون هشیاری، فقط همت خویش را دنیا قرار دهد، در حقیقت در پی بیهودگی و لهوی رفته است و هیچ توشه‌ای برای آخرت خویش ذخیره نخواهد کرد.

به منظور دستیابی به تقرب الهی، آگاهی از اموری که لهُو محسوب می‌شدند ضروری نمود. ضمن کنکاشی بسیار اندک در آیات و روایات، نتایج ذیل حاصل شد:

۱. در آیات، بدون ذکر نام ابزار لهُو، به حکم آنها اشاره شده است؛
۲. بخشی از روایات بر حرام بودن لهُو دلالت داشتند و از این جهت، مانند آیات قرآن بودند، بخشی نیز بر حرام بودن استفاده از ابزار، به گونه عام دلالت می‌کردند بدون تأکید

بر وسیله‌ای خاص.

بنابراین، حرام بودن ابزار لهو، به نام و شکلی ویژه وابسته نیست، بلکه به کارایی آن در انجام عمل لهوی بستگی دارد. از این روی، گذر زمان و دگرگونی‌های زندگی، در آن اثر می‌گذارد؛ البته با توجه به دلایل فوق، بدون تأثیر زمان و مکان، حرام بودن لهو، حکمی ثابت و پایدار است. حال اگر در روزگاری دیگر، چنین سود و بهره‌ای تحقق یافت، دیگر فتوا به حرام بودن، جایگاهی ندارد. همانند این در باب حرام بودن خرید و فروش خون و سرگین حیوان حرام گوشت دیده می‌شود، که امروزه به دلیل استفاده‌های عقلایی از خون و سرگین، کمتر فقیهی است که خرید و فروش آن را حرام بدانند. یکی از مصادیقی که ممکن است در زمره لهو و لغو به شمار آید وابستگی به شبکه‌های اجتماعی است، که اگر به درستی کنترل نشود انسان را در معرض انجام امور لغو قرار می‌دهد. فعالیت چشمگیر این شبکه‌ها در فضای مجازی است، که تقریباً از نیم قرن پیش شکل گرفته و با سرعتی غیرمشابه با گسترش دیگر رسانه‌ها، تغییرات فناورانه و محتوایی گسترده‌ای را موجب شده و امروزه تأثیر آن بر بخش‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و علم و فناوری مشهود است. درک منطق این فضا، نخستین گام برای ایجاد تعامل مثبت و استفاده حداکثری از قابلیت‌های محتوایی آن است. اگر انسان به جای استفاده شایسته از این تکنولوژی رو به رشد و بهره‌مندی مناسب از آن، به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه تخریب در شبکه‌های اجتماعی را باعث شود و به گونه‌ای در فضای مجازی فعالیت کند که نتیجه‌ای جز آسیب‌های امنیتی، علمی، فکری، دینی، اجتماعی، فردی و با کمال تأسف آسب‌های خانوادگی نداشته باشد و با اعمالی خلاف قانون، حقوق مالکیت فکری افراد را نقض کند، فعالیت در شبکه‌های اجتماعی نیز جزو امور لهو و لغو حرام خواهد شد و فرصت‌ها را به تهدیدها تبدیل و ضربه مهلکی به جامعه انسانی وارد خواهد کرد. بدیهی است فضای مجازی محمل و توانایی است برای بروز اتفاقات خوب و بد. با در نظر گرفتن این واقعیت، ضمن پرهیز از بزرگ‌نمایی گره خوردن زندگی انسان‌ها با فضای مجازی، شایسته است جامعه انسانی با آگاهی کامل، با این تکنولوژی پیشرفته، که در انتظار رشد بی‌بدیل آن هم باید بود، برخورد کنند و به جای اعتیاد ناشایست به فضای مجازی، نقش اصلی آن، که در واقع، پل ارتباطی بین جوامع بشری است را در ذهن داشته باشند، که در آینده نزدیک تقریباً هیچ کس خود را بی‌نیاز از این فضا نمی‌تواند فرض کند.

از مسلمات است که تفریح یکی از نیازهای زندگی انسان، نه فقط به عنوان تجدید قوا، بلکه به عنوان یکی از نیازهای اصلی مطرح می‌باشد. انسان غذا می‌خورد، هدف از خوردن غذا از نظر طبیعت

این است که آن مقدار از کالری و انرژی که بدن مصرف کرده مجدداً از راه خوردن غذا تولید شود. این یک نیاز طبیعی، نه ارادی، با هدف تأمین قوای تحلیل‌رفته است. تفریح نیز حاجتی است از حاجات زندگی برای انسان‌ها، به عنوان یک نیاز طبیعی، نه یک نیاز ارادی. خدای آفریدگار طبیعت و نظام طبیعت خواسته است آدمی با احساس احتیاج به تفریح، همواره نشاط‌زنده ماندن و زندگی کردن داشته باشد و یک نظام اجتماعی و مکتب زندگی باید برای ارضای این خواسته طبیعی فکری کند. غالب فقها مطلق لهُو را حرام ندانسته‌اند. به نظر ایشان لهُوی حرام است که باطل باشد. شبکه‌های اجتماعی برای فناوری اطلاعات و رشد جامعه در بسیاری از علوم می‌تواند استفاده شود حال اگر تفریحی هم برای حفظ سلامت روح و فرح و شادی در بین آنه باشد، نه تنها حرام نیست، بلکه مورد نیاز و ضروری است. در حال حاضر بسیاری از تحقیقات علمی از همین طریق فضای مجازی مباحث علمی بین محققین بهره‌مندی از فضای مجازی است پس نمی‌توان مطلقاً با آن برخورد کرد معقول نیست در حال حاضر با امکانات موجود که با بهره از فضای مجازی زمان هدر نمی‌رود می‌توان به بهترین نحوه از آن بهره جست موضوع این است که باطل باطل است چه در فضای مجازی باشد یا غیر، اما می‌توان فضای مجازی را به بهترین نحو علمی و تفریح سالم استفاده کرد. نفس سینما رفتن نوعی لهُو است ولی در باطل بودن آنها بحث است، بستگی دارد به آنچه در آن به نمایش گذاشته می‌شود.

پیشنهاد

نکات مطرح شده، بسیار تأمل‌برانگیز برای مجریان و دولت مردان هم هست، زیرا تقریباً می‌توان مطمئن بود که یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی جوامع در سال‌های نه چندان دور، میزان توانایی این جامعه از زیرساخت‌های فضای مجازی آن است. بنابراین، دولت‌ها باید از متخصصان این حوزه علوم انسانی بهره‌برند تا چند سال آینده حرفی برای گفتن در سطح دنیا داشته باشند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم؛
۲. ابن بابویه، محمد بن علی [شیخ صدوق]، *الخصال*، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۳ ه.ق؛

۳. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، مصحح: عبدالسلام محمد هارون، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴هـ.ق، چاپ اول؛
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴هـ.ق، چاپ سوم؛
۵. اخوان بهبهانی، علی، برگرفته از سایت ویستا در تاریخ ۱۳۹۴/۷/۱۵، به نشانی:
<http://vista.ir/article/230471>
۶. اردبیلی، احمد بن محمد [محقق اردبیلی، مقدس اردبیلی]، مجمع الفوائد و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، مصحح: آقامجتبی عراقی؛ علی پناه اشتهازدی و آقاسین یزدی اصفهانی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، ۱۴۰۳هـ.ق، چاپ اول؛
۷. انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین [شیخ انصاری]، کتاب مکاسب المحرمه و البیع و الخیارات (ط- الحدیثه)، مصحح: گروه پژوهش در کنگره، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم - ایران، ۱۴۱۵هـ.ق، چاپ به نام "تراث الشیخ الأعظم ۱۴"؛
۸. بستانی، فؤاد افرا، فرهنگ ابجادی، اسلامی، تهران، ۱۳۷۵هـ.ش؛ چاپ دوم؛
۹. بهشتی، سید محمد حسین، برگرفته از سایت راسخون در تاریخ ۱۳۹۴/۹/۲۳ - ساعت ۱۱:۰۰، به نشانی:
<http://rasekhoon.net/article/show/123720>
۱۰. پناهیان، علیرضا، یادداشت "با فضای مجازی چه کنیم؟" (۹۳/۸/۲۸)، برگرفته از سایت بیان معنوی در تاریخ ۱۳۹۴/۹/۲۷ - ساعت ۱۷:۳۰، به نشانی:
<http://bayanmanavi.ir>
۱۱. تهانوی، محمد علی بن علی، کشف اصطلاحات الفنون، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، ۱۹۹۶م، چاپ اول؛
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، برگرفته از سایت مشرق نیوز در تاریخ ۱۳۹۴/۹/۲۶ - ساعت ۱۸:۳۰، به نشانی:
<http://www.mashreghnews.ir/fa/news/413344>
۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح (تاج اللغه و صحاح العربیه)، مصحح: احمد عبد الغفور عطار، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۳۷۶هـ.ق، چاپ اول؛
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن [شیخ حر عاملی]، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحیاء التراث، قم، ۱۴۰۹هـ.ق، چاپ اول؛
۱۵. حسینی عاملی، سید محمد جواد، مفتاح الکرامه فی شرح القواعد، مؤسسه آل البیت، بی جا، بی تا؛
۱۶. حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر [علامه حلی]، تذکره الفقهاء، مکتبه الرضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، بی جا، بی تا؛
۱۷. حیدری، محمد، معجم الأفعال المتداوله و مواطن استعمالها، المركز العالمی للدراسات الاسلامیه، قم، ۱۳۸۱هـ.ش، چاپ اول؛
۱۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷هـ.ش، چاپ دوم از دوره جدید؛
۱۹. ذهنی تهرانی، سید محمد جواد، تشریح المطالب، شرح فارسی بر مکاسب (ترجمه و شرح مکاسب شیخ انصاری)، حاذق، قم، ۱۳۶۹هـ.ش؛

۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، دارالقلم، بیروت، ۱۴۱۲ هـ ق، چاپ اول؛
۲۱. شعرانی، ابوالحسن، *نثر طوبی یا دائرة المعارف لغات قرآن کریم*، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۹۸ هـ ق، چاپ دوم؛
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، هجرت، قم، ۱۴۰۹ هـ ق، چاپ دوم؛
۲۳. فضلی، عبدالهادی، *دروس فی اصول الفقه الامامیه*، مؤسسه ام القری للتحقیق و النشر، قم، ۱۴۲۰ هـ ش؛
۲۴. قرشی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ هـ ش، چاپ ششم؛
۲۵. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر التعمی*، دارالکتاب، قم، ۱۴۰۴ هـ ق؛
۲۶. کانن، جاستین، برگردان آریا نوری، برگرفته از سایت انترپولوزی در تاریخ ۱۳۹۴/۷/۲۵ - ساعت ۱۹:۰۰، به نشانی: <http://anthropology.ir/node/26871>
۲۷. مجلسی، محمدباقر [علامه مجلسی]، *بحار الانوار*، الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ هـ ق/۱۹۸۳ م، چاپ دوم؛
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، *انوار الفقاهه*، تحقیق و تعلیق ابراهیم بهادری، مدرسه الامام علی بن ابیطالب، قم، ۱۴۱۸ هـ ق، چاپ اول؛
۲۹. _____، مصاحبه ۱۳۸۹/۱/۱۴، برگرفته از سایت شفاف در تاریخ ۱۳۹۴/۹/۲۰ - ساعت ۱۸:۲۰، به نشانی: <http://shafaf.ir/fa/news/17532/>
۳۰. _____، مصاحبه ۱۳۹۳/۶/۴، برگرفته از سایت ایسنا در تاریخ ۱۳۹۴/۹/۵ - ساعت ۲۱:۳۰، به نشانی: <http://isna.ir/fa/news/93060402148>
۳۱. موسوی خمینی، سیدروح الله [امام خمینی]، *تحریر الوسیله*، مطبعة الآداب، نجف، بی تا؛
۳۲. _____، *المکاسب المحرمه*، مؤسسه اسماعیلیان، قم، بی تا؛
۳۳. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، *مصباح الفقاهه*، وجدانی، بی جا، ۱۳۷۱ هـ ش، چاپ سوم؛
۳۴. مهنا، عبدالله علی، *لسان اللسان: تهذیب اللسان العرب*، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۳ هـ ق، چاپ اول؛
۳۵. ویکی پدیا، دانشنامه آزاد، برگرفته از سایت ویکی پدیا در تاریخ ۱۳۹۴/۷/۲۵ - ساعت ۲۰:۰۰، به نشانی: <https://fa.wikipedia.org/Wiki>